



نقد و بررسی کتاب  
دستور زبان فارسی بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی  
تألیف دکتر امید طبیب‌زاده

محمدجواد مهدوی<sup>۱</sup>

سید محسن حسینی وردنجانی<sup>۲</sup>

**چکیده**

کتاب دستور زبان فارسی دکتر امید طبیب‌زاده رویکردی نو به دستور زبان فارسی دارد. این کتاب بر پایه نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی شکل گرفته است. نظریه دستور وابستگی که بررسی‌کننده روابط هسته و وابسته‌های آن است، نخستین بار از سوی «لوسین تنی‌یر» فرانسوی عرضه شد. این نظریه، هر گروه نحوی را به یک کشور فدراتیو متشکل از یک حکومت مرکزی و چند ایالت خودگردان تشبیه می‌کند. بنابراین، هر هسته تنها بر روابط میان وابسته‌ها با هم و با خودش نظارت دارد و تأثیر چندانی بر روابط درونی وابسته با وابسته‌های خود ندارد. کتاب یاد شده با استفاده از این نظریه، تنها به بررسی نحو زبان پرداخته است. نظام‌مند بودن کتاب و بررسی تمام گروه‌های نحوی با توجه به پنج نوع عنصر نحوی از جمله نقاط قوت آن است. مقاله حاضر کوشیده است ضمن توجه به نقاط قوت کتاب، ابهامات یا اشکالاتی را که در حین تدریس این کتاب به نظر رسیده است، مطرح سازد تا با اصلاح آن‌ها بتوان در فرایند آموزش از آن بهتر استفاده نمود. لازم به ذکر است بررسی اشکالات با استفاده از شواهد برگرفته از متن انجام شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دستور زبان فارسی، امید طبیب‌زاده، گروه‌های خودگردان، دستور وابستگی.

✉ | mahdavy@um.ac.ir

✉ | vardanjanimohsen@yahoo.com

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی

مشهد

### پیش درآمد

دکتر طبیب‌زاده در سال ۱۳۸۵ صورت کوچکی از کتاب حاضر را به نام *ظرفیت فعل* منتشر کرد که تحسین جمع زیادی را برانگیخت. اقبال عمومی استادان و دانشجویان و پشتکار مؤلف سبب بسط و تکمیل کتاب *ظرفیت فعل* و پدید آمدن کتاب حاضر شد. این کتاب که رویکردی نو در دستور نویسی ساختاری است بر پایه نظریه‌ای به نام «گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی» استوار است.

نظریه دستور وابستگی را نخستین بار «لوسین تنی‌یر» فرانسوی عرضه کرد. این نظریه بررسی‌کننده روابط میان هسته و وابسته‌هایش است. روابط هسته و وابسته‌ها را در نظریه گروه‌های خودگردان می‌توان به روابط یک حکومت فدراتیو مرکزی با چندین ایالت خودگردان تشبیه کرد؛ یعنی در عین این‌که هر ایالت زیرمجموعه‌ای از حکومت مرکزی محسوب می‌شود، حکومت مرکزی در تعیین قوانین داخلی آن نقشی ندارد. کتاب دکتر طبیب‌زاده فقط به بررسی نحو زبان بر اساس نظریه ذکر شده می‌پردازد. این بررسی بر اساس دو فرض اصلی انجام می‌گیرد: ۱. هر ساخت نحوی، چه جمله و چه گروه‌های داخل آن، در نهایت فقط از پنج نوع عنصر تشکیل می‌شود که عبارتند از: یک هسته، به علاوه صفر تا چهار وابسته (شامل یک تا چند متمم اجباری، متمم اختیاری، افزوده خاص، و افزوده عام)؛ ۲. روابط نحوی در درون هر ساخت صرفاً از طریق شرح روابط وابستگی در میان همین پنج عنصر نمایش داده می‌شود.

### پیشینه پژوهش

تاکنون تنها یک مقاله با عنوان «معرفی و نقد کتاب دستور زبان فارسی، بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی» (۱۳۹۱) اثر محمد راسخ‌مهند درباره کتاب دستور دکتر طبیب‌زاده منتشر شده است که بیشتر به معرفی این کتاب و برخی پیشنهادها می‌پردازد تا پرداختن به اشکالات و کاستی‌ها اما پژوهش پیش‌رو سعی نموده، بیشتر به برخی اشکالات، ابهام‌ها و کاستی‌هایی که در حین تدریس این کتاب به نظر رسیده است بپردازد تا با برطرف نمودن آن‌ها در چاپ‌های بعدی، این اثر که به حق جزو بهترین آثار در این زمینه است به کمال خود نزدیک‌تر گردد.

### درآمد

کتاب دستور دکتر طبیب‌زاده، مجموعاً ۱۹ فصل دارد که در طول ۱۸ فصل به بحث و بررسی عناصر نحوی پرداخته و در فصل آخر، یعنی فصل ۱۹، ۲۰۰ جمله از آثار ۱۰ نویسنده معاصر ایرانی را تجزیه و تحلیل کرده است.

برخی از محاسن این کتاب که در مجموع، برآمده از نظریه روش‌مند آن و شیوه تألیف مناسب است عبارتند از:

- نظام‌مند و روشمند بودن مباحث کتاب و فاصله گرفتن از شیوه سنتی تجزیه جمله به دو بخش نهاد و گزاره و بررسی تمام ساخت‌های نحوی بر اساس روابط هسته با وابسته‌ها؛
- تکرار توصیفی تعاریف و اصطلاحات اصلی به منظور آشنایی بیشتر مخاطب با تعاریف و اصطلاحاتی که جدید به نظر می‌رسند؛
- استفاده کافی از شاهدها و مثال‌ها برای روشن شدن مباحث؛
- راهنمایی کردن خواننده در چگونه خواندن فصل‌های کتاب؛
- پرداختن به برخی ابهامات دستورهای سنتی و زایشی و طرح مسایل جدید مانند بحث متمم‌بندی و «رای» تأکید همراه؛
- معرفی منابع مرتبط با مباحث در پایان هر فصل برای مراجعه و استفاده بیشتر خواننده؛
- طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های بعضاً تشریحی جهت فراگیری و آشنایی بیشتر مخاطب با مسائل مطرح شده در هر فصل؛
- داشتن واژه‌نامه توصیفی که به حق راهنمای خوبی برای خوانندگان، به‌ویژه دانشجویان، است.

## اشکالات

اشکالات به دو بخش عمده اشکالات محتوایی و اشکالات تایپی - ویرایشی تقسیم می‌شوند.

### الف) اشکالات محتوایی:

- استفاده از اصطلاحات جدیدی همچون متمم مستقیم در کنار اصطلاحاتی کاملاً سنتی نظیر فاعل و تمیز و ... : وقتی در تقسیم‌بندی متمم‌های فعل، فاعل، تمیز و مسند، با همان عنوان‌های رایج در بسیاری دستوره‌های پیشین آورده شده، آوردن عنوان «متمم مستقیم» برای نقش مفعول با همان ماهیت قبلی آن در دستوره‌های پیشین جز اینکه این متن آموزشی را دیرپاب‌تر کند کار دیگری انجام نمی‌دهد.
- ناقص بودن و گاهی یکسان بودن علایم و اختصارات چند عنصر:
- در بخش «اصطلاحات، اختصارات و علایم» (ص ۱ و ۲) علامت متمم اجباری و اختیاری نیامده و سه عنصر متمم اجباری، هسته و گروه دارای اختصار یکسان هستند.
- کامل و قطعی نبودن راهکارهای تشخیص فعل مرکب به گونه‌ای که می‌توان خلاف آن را اثبات کرد؛ مانند: فعل «نفس کشیدن» که در مثال ۱۱ صفحه ۱۳۲ فعل مرکب دانسته شده در حالی که با توجه به معیارهایی که در ذیل بحث فعل مرکب آمده (ص ۸۵ و بعد) می‌توان عدد مبهم «چند تا» را به کلمه «نفس» که نقش همراه دارد اضافه نمود. با این حساب، بر اساس معیارهای خود کتاب این فعل، مرکب نیست.
- استفاده از زبان گفتار یا نزدیک به گفتار در مثال‌ها، با وجود آنکه پیکره زبانی کتاب ده اثر نوشته شده به زبان فارسی معیار است (ر.ک: فصل ۱۹) مانند: برخی پرسش‌های صفحه ۱۲۵.

- **معرفی «را» به عنوان نشانه معرفگی در صفحه ۱۰۶:** در صفحه ۲۳۹ کتاب تحت عنوان «اسم مشخص نکره» چنین جملاتی آمده است: «کتابی را خریدم»، «ماشینی را راند» و ... وقتی «را» بتواند هم با اسم معرفه به کار رود و هم با اسم نکره مشخص، دیگر نمی‌توان آن را نشانه معرفگی دانست.
- **تشخیص نادرست برخی از نقش‌های نحوی؛** مانند: مبحث قید مقدار در صفحه ۱۱۸ که قیدهایی چون «آنقدر و زیادی» افزوده عام هستند، چون با خیلی از افعال کاربرد دارند مثل «آنقدر یا زیادی راه نرو، درس نخوان، ایراد نگیر، غذا نخور و ...» در حالی که در این قسمت به عنوان افزوده خاص ذکر شده‌اند.
- **کامل نبودن تقسیمات افزوده عام:** به عنوان مثال باید قید زمان و مکان هم در این تقسیمات در صفحه ۱۱۸ اضافه می‌شد.
- **استفاده از برخی مثال‌هایی که با تعاریف و توضیحات متن متناقض است؛** مثلاً در صفحه ۹۱ گفته شده که «آزار دادن» از زمره افعال مرکب جدا نشدنی است؛ در حالی که با مثال زیر این مطلب نقض می‌شود: «آنها علی را آزار زیادی دادند».
- در صفحه ۱۱۲ در مبحث متمم‌بندی، در مثال (دو-پ)، جمله «ما وظیفه دفاع از میهنمان را داریم» غیر دستوری در نظر گرفته شده، در حالی که این جمله دستوری است.
- در صفحه ۱۴۸ شماره ۱۰، فعل «با کسی رفتار کردن» دو ظرفیتی تشخیص داده شده، در حالی که سه ظرفیتی است یعنی با کسی [مؤدبانه] رفتار کردن.
- در صفحه ۱۵۹ در مثال «مسعود سعد عمر خود را در سرزمینی دور از بغداد، در هندوستان گذرانید»، گروه «در سرزمینی دور از بغداد، در هندوستان» افزوده عام تلقی شده، در حالی که به نظر می‌رسد باید آن را افزوده خاص دانست، چون فعل گذرانید در این کاربرد به آن نیاز دارد.
- در صفحه ۱۶۴ مثال سه پایان صفحه شماره «پ»، جمله «ما به سختی‌ها عادت داده شده بودیم» غیر دستوری تلقی شده در حالی که دستوری به نظر می‌رسد؛ مانند این جمله: «ما در دوران سربازی به سختی‌ها عادت داده شده بودیم».
- **استفاده از مثال‌هایی که تأییدکننده مدعای مؤلف بوده‌اند و نادیده گرفتن موارد نقض:** در صفحات ۱۲ و ۱۳ در مثال «علی دیروز کتاب را با میل به من تحویل داد» کلمه «با میل» افزوده خاص تلقی شده و برای اثبات آن از مثال «خانه با میل آتش گرفت» استفاده شده تا دلیلی باشد بر اینکه این افزوده با هر فعلی به کار نمی‌رود، در حالی که این افزوده را می‌توان با بسیاری از فعل‌های دیگر به کار برد؛ مانند: «او با میل راه رفت/ خرید کرد/ درس خواند/ دعوت کرد/ کار کرد/ خندید/ فروخت/ نگاه کرد/ صحبت کرد و ...».

یا در ابتدای صفحه ۲۱۹ عنوان شده: «سورها همچنین با صفات تعجبی (مثلاً: چه و عجب) و صفت اشاره مبهم (هر) در موقعیت دوم همراه نمی‌شوند» و به این مثال استدلال شده: «اکثر هر آدمی». این در حالی است که می‌توان گفت: «بیشتر هر شهری» و درست هم هست.

**ب) اشکالات تایپی - ویرایشی:** در این قسمت صورت صحیح عبارات داخل قلاب بیان شده است.

• صفحه ۱۴

جز نمودار اول، تمام نمودارها، در مورد متمم‌ها، به دو پایانه نیاز دارند.

• صفحه ۴۴

در پاسخ قسمت «پ» سؤال یک، جمله متفاوتی توضیح داده شده و قسمت «ت» همین سؤال هم پاسخ داده نشده است.

• صفحه ۵۲

محل بی‌نشان متمم مستقیم معمولاً بلافاصله پس [پیش] از فعل است.

• صفحه ۵۵

مثال ج: «ابداً با شما موفق [موافق] نیستم».

• صفحه ۶۷

نمودار دوم، در مورد افزوده‌های خاص، به دو پایانه نیاز دارد.

• صفحه ۷۲، مثال «چهار - ت»:

«نظر سازمان ملل درباره کمک به سیل‌زدگان کنند [کنند در این جمله باید حذف شود] صحیح بود.

• صفحه ۸۹، مثال «دو - ب»:

«علی پایین آمد» که باید به این صورت اصلاح شود: «علی آمد»

و در همین صفحه، جمله قبل از مثال یک ذیل مبحث متمم حرف اضافه‌ای + فعل بسیط هم باید به این شکل اصلاح شود: اگر گروه «(به) عقب» و «(به) پایین» را از این دو فعل جدا کنیم، تغییری در معنای فعل «رفتن» و «آمدن» حاصل نمی‌شود.

• صفحه ۱۰۶

در مثال‌های «یک - الف» و «دو - الف»، «تحویل» و «یاد» باید بیرون قلاب باشد چون همراه فعل مرکب است.

• صفحه ۱۱۹

در ذیل قید مطابقت: «از رمره [زمره] قیده‌های مطابقت هستند».

• صفحه ۱۲۸

در سؤالات شماره «۱۳» و «۱۴» گروه‌های «برای خرید دستگاه و برای کشیدن سیگار» افزوده عام در نظر گرفته شده‌اند، در حالی که افزوده خاص هستند آن‌چنان که در صفحه ۱۴۲ اصلاح شده است.

- صفحه ۱۲۹
- در شماره ۲۲ «دادم ماشین را حسابی بشورند [بشویند]»
- صفحه ۱۳۷
- در مثال‌های «یک-ب»، «دو-ب» و «سه-ب» موضوع بحث «بیاید»، «ببینیم» و «حرف بزخم» است. در نتیجه به جای «است»، «جا دارد» و «باید» این‌ها باید برجسته (بُلد) شوند. در دیگر مثال‌های این بخش هم همین اشکال تکرار شده است.
- صفحه ۱۴۱
- در پایان فصل پنجم، این سؤال آمده است: «عناصر تشکیل‌دهنده جمله‌هایی را که در بخش پرسش‌ها در فصل پیش [فصل چهار] آمده، با استفاده از علایم و نمادهای هر عنصر مشخص کنید و روابط وابستگی را در آنها نمایش دهید.» اما در قسمت پاسخ‌ها، تعداد جملات با تعداد پرسش‌های فصل پیش برابر نیست؛ یعنی شمار جملات پرسش اول فصل چهارم ۳۳ عدد است، در حالی که در فصل پنجم تنها ۲۶ عدد از جملات این پرسش بررسی شده است.
- صفحه ۱۴۲
- در پاسخ شماره ۱۲ در فعل «تشریف دارند» آغازهای وجود دارد که ظاهراً نشانه فاعل است، در حالی که فاعل اسم ظاهر یعنی «حضرت آقا» است، لذا این آغازها باید حذف شود.
- صفحه ۱۵۰
- در پایان صفحه: یک « || ف [فا] ||، مس || »
- صفحه ۱۷۴
- مثال «یک ب و پ»، نوشته‌های داخل پرانتز، باید بین این دو مثال جابه‌جا شود.
- صفحه ۱۷۷
- «اصطلاحات لازم و متعدی از دو اصطلاح سببی و ضد سببی استفاده...». لف و نشر باید در این جمله مرتب باشد زیرا متن آموزشی است. یعنی بدین صورت اصلاح شود:
- «اصطلاحات لازم و متعدی از دو اصطلاح ضد سببی و سببی...»
- صفحه ۱۸۷
- «... فاعل در سه مثال فوق به ترتیب سوم شخص مفرد، اول شخص جمع [مفرد] و اول شخص مفرد [جمع] است...»
- صفحه ۲۰۴
- الف. علی میز دارد که جنسش از چوب است.
- ب. \*علی عقیده داد که صلح در راه است.

در این مثال‌ها مثال «ب» دستوری و «الف» غیر دستوری است، در نتیجه جای علامت (\*) که نشانگر غیردستوری بودن است باید جابه‌جا شود.

• صفحه ۲۱۷

وسط صفحه: «چنین به نظر می‌رسد که سوره‌های وجودی غالباً از نوع بسیط [گروهی] و سوره‌های کلی غالباً از نوع گروهی [بسیط] هستند».

• صفحه ۲۲۴

مثال «ب»: «بسا کسا که به روز تو آرزومندند» مصرع دوم شعر رودکی است (قطعه شماره ۱۸ دیوان رودکی) که اگر بنا بر پایبند بودن به ساختار شعر است باید فعل آن بدل شود به «آرزومند است» و در غیر این صورت، باید به جای «کسا»، «کسان» آورده شود تا بین فعل و فاعل از نظر شمار، مطابقت برقرار گردد.

• صفحه ۲۳۴

در وسط صفحه: «توجه شود که در اینجا دیگر نمی‌توان «ی» نکره را در موقعیت اصلی خودش، یعنی پیش [پس] از هسته یا همان مضاف نگاه داشت».

• صفحه ۲۴۳

در ابتدای صفحه آمده: «وقتی گروه مصدری «گرفتن نان» جمع بسته می‌شود، هسته آن، یعنی «نان» جمع بسته می‌شود.» در حالی که در صفحه ۲۴۲ هسته گروه مصدری «گرفتن نان» اسم «گرفتن» دانسته شده است.

• صفحه ۳۱۰

قید وابسته‌ساز «که» دوبار تکرار شده (در شماره‌های ت و د).

• صفحه ۳۱۱

در پایان صفحه «قیدهایی مانند «با وجود اینکه، تا آنجا که، مگر نه [و گر نه]» از زمره قیدهای وابسته‌ساز مرکب [+ پیوسته] هستند» که کلمه «پیوسته» از قلم افتاده است.

### نتیجه‌گیری

این جستار با پرداختن به برخی مشکلات موجود در کتاب دستور دکتر طبیب‌زاده در دو زیرگروه اشکالات محتوایی و تایپی/ ویرایشی سعی نمود که در راه بهبود این اثر که از موفق‌ترین تجربه‌های دستورنویسی در زبان فارسی است قدمی بردارد تا ضمن رفع و اصلاح آنها در چاپ‌های بعدی توسط مؤلف محترم این کتاب به جایگاه ایده‌آل خود نزدیک‌تر شود.

**منابع**

- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱)، دستور زبان فارسی براساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۱)، معرفی و نقد کتاب دستور زبان فارسی، بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، ویژه‌نامه فرهنگستان (دستور)، ۱۳۹۱، شماره ۸، صفحات ۲۷۸ تا ۲۸۸.